

یک چشم از چهره آلبیس یوحنای تعمیددهنده، اسر لئوناردو، حدود ۱۵۰۹، موزه لوور، پاریس



یک چشم از چهره بانویی معروف به «فرونیر زیبا»، موزه لوور، پاریس

لئوناردو داوینچی

نوشته کارلو پدیرتی

روشن آنچه در سایه‌گیری زیر پیش‌آمدگی بام خانه‌ای روی می‌دهد، در زیر تصویر چانه آدمی نیز دیده می‌شود. یکی از زیباترین اظهار نظرهای لئوناردو مربوط است به طرز بازنمایی چهره آدمی. وی نقاشان را ترغیب می‌کند که در تنظیم صحنه تصویر خود اثرات خفیف محوسازی نور در سایه را تا سرحد امکان مرئی کنند، و این ویژگی را «لطف سایه‌های خفیف و عاری از هرگونه خط مرزی قاطع» می‌خواند.

درباره صحنه یک نقاشی با دیوارهای خانه‌های کنار خیابان و نوری که از میانشان به داخل نفوذ می‌کند - نوری بدون تابش و ساخته شده از هوا، یا نوری زرین و پخش، مانند آنچه در پرده‌های جورچونه دیده می‌شود - لئوناردو چنین می‌گوید: «نور آسمان به سنگفرش خیابان برخورد می‌کند و بسا جنبشی انعکاس یسافته به سوی بخشهای سایه گرفته چهره‌ها برمی‌جهد و آنها را به اندازه قابل ملاحظه‌ای روشن می‌سازد، نیز ادامه همان نور که از لبه بامها به جانب سطح خیابان برتابیده است تقریباً تا سر

اشیاء را چون هستیهای هندسی به شمار می‌آورد، و هم خود را به بررسی اختلافات تدریجی شدت سایه‌ها موقوف می‌داشت.

پس از سال ۱۵۰۰ میلادی وی بررسی مسئله نور و سایه بر سطح اشیاء واقع در فضای گشاده، و به دنبال آن ویژگیهای رنگ و انعکاساتش را مورد توجه اصلی خود قرار داد. در نقاشی داوینچی نور چون وسیله‌ای به کار گرفته می‌شود که عناصر منظره طبیعی را در هماهنگی تغییرات تدریجی، از رنگی به رنگ دیگر، با هم پیامیزد؛ و این همان ویژگی است که در یادداشتهای وی «لطف ترکیب» خوانده شده است.

در ایسن شگرد شخصی هیكل انسان نیز جزئی از منظره طبیعی می‌شود (خواننده طبعاً پرده‌های مورنالیزا، مریم عنرا و قدیسه حنا، و لذا را به خاطر می‌آورد)، و در پدیده‌های انعکاس و انکسار نور و بسا بسازی متقابل سایه‌های رنگی، درست همانند هر شیء دیگری که در معرض نور آسمان قرار دارد، مشارکت می‌یابد. به بیان

«اندامی که در حال کار و حرکت نیست باید بدون نشان دادن بر جهیدن عضلات ترسیم شود. اگر غیر از این کنید کیسه‌ای انباشته از جوز و بسادام را به نقش درآورده‌اید، نه پیکر انسانی را.»

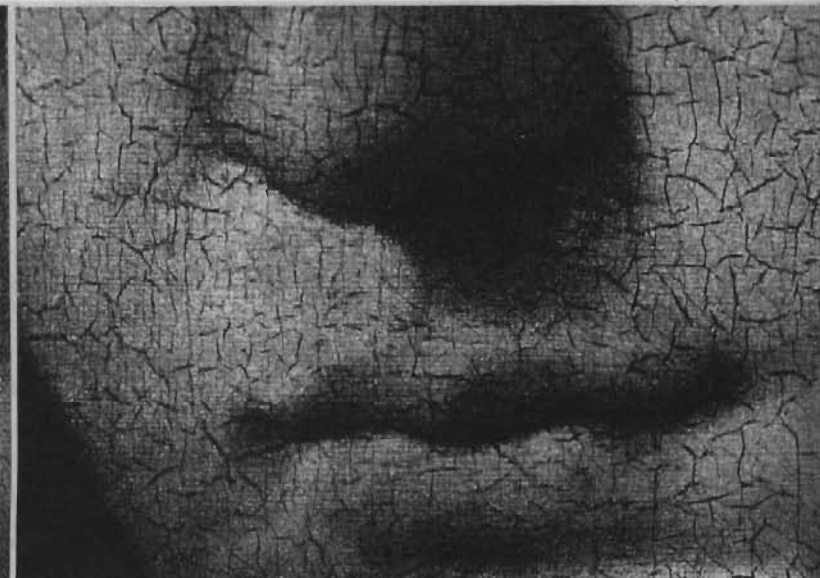
این یکی از یادداشتهای لئوناردو داوینچی درباره نقاشی است که در دومین مجموعه دستنوشتهای مادرید - اثر خامه لئوناردو بر جا مانده از نخستین سالهای سده شانزدهم - که اخیراً کشف شده است جلب نظر می‌کند. نظریات عرضه شده در دستنوشته نامبرده حاوی کلیه ویژگیهای نقاشی لئوناردو است. سلسله دیگری از یادداشتهای وی، علاوه بر آنچه پیرامون شکل و رنگ به قلم آمده، بحث در مسئله نور و سایه و انتقال تدریجی و ملایم از روشنی به تاریکی را مطرح می‌سازد، که مبنای اصلی شگرد معروف «محوسازی نور» در نقاشی لئوناردو شناخته شده است.

لئوناردو داوینچی که در نخستین دوران فعالیت هنری خود مسئله نور و سایه را مورد توجه قرار داده بود،

تبسم قدیس یوحنای تعمید دهنده

Photos Louvre Museum, Paris

تبسم فرونیر زیبا





یک چشم از چهره فرشته در نقاشی «مریم عنرا بر کنار صخره‌ها»، کار لئوناردو در میلان، حدود ۱۴۸۳، موزه لوور، پاریس



یک چشم از چهره مونا لیزا، لئوناردو حدود ۱۵۰۱ کار خود را روی این اثر شروع و بیش از چهار سال بعد آن را تمام کرد. موزه لوور، پاریس.

یا افتخار عالم نقاشی

«یادداشت‌هایی پیرامون نقاشی» کتاب او نام آثار انتشار نیافته لئوناردو داوینچی که توسط «انتشارات باربراه» به سال ۱۹۶۸ در فلورانس چاپ شده است.

در دستنوشته معروف به دستنوشته‌های مادرید، شماره ۲، لئوناردو تصریح می‌کند که چهره و اندام آدمی با واسطه نوری که پیرامونشان را فرا گرفته است مشخص می‌شوند. به نوشته وی نور انعکاس یا انکسار یافته، و نیز سایه‌های رنگ گرفته، همه همان چیزی هستند که او «حقیقت رنگها» می‌خواند. این بیان می‌تواند تشابه میان بسیاری چهره‌سازیهایی لئوناردو را توجیه کند؛ و تصاویر بزرگ شده این دو صفحه بخصوص آنجا که لئوناردو به نقش چشم و تبسم پرداخته است، بخوبی مطلب را روشن می‌سازد. عکسهای بزرگ شده نشان می‌دهند که لئوناردو با چه مهارتی سایه-روشن را به کار گرفته است تا تبسمی ایهام‌انگیز و جسمانی خوش حالت را به هیوه خاص خود بر برده آورد (در باره تبسم مونا لیزا تاکنون هزاران صفحه نگارش یافته است). در دستنوشته‌های مادرید، شماره ۲ لئوناردو به نقاشان توصیه می‌کند که در راه ایجاد آمیزه رقیقی از سایه‌ها، یا به بیان خودی «لطافت سایه‌هایی سیال و عاری از هر گونه خط جداگر» اهتمام تمام به کار بندند. با این اندرز، وی راز هنری خود را، در نحوه اجرای تصاویر شکل یافته با سایه‌های خلیف، بر ما عرضه می‌دارد.

سرانجام این که چهره در تیرگی فرو می‌رود، زیرا روشنیهایی که در مقایسه با میزان متوسط سایه‌ها اندک مقدارند در تاریکی محو می‌شوند. از این رو در فاصله زیاد کیفیتها و کمیت‌های روشنی و تاریکی اصلی رو به زوال می‌گذارند، و همه چیز در سایه‌ای به میزان متوسط درهم می‌آمیزد. به همین سبب است که درختان و هر چیز که در فاصله دور قرار دارند از تنهایی که نزدیک به نگرنده‌اند تیره تر به نظر می‌آیند. از این تیرگی که رو به پیش گذاریم هوایی که میان دیدگان و اشیاء وجود دارد موجب می‌شود که هر چیز، روشنی بیشتر یابد، و با رنگ آبی نمایان‌تر شود، همان رنگی که در سایه رو به کبود و دودی می‌گذارد، زیرا در بخش‌های نور گرفته نقاشی است که ماهیت حقیقی رنگها چنانکه باید جلوه می‌کند. ■

اکتبر ۱۹۷۴

کارلو پدروتی Carlo Pedrotti چندین کتاب درباره لئوناردو داوینچی تألیف کرده است. این مقاله برداشتی است از فصل

مرز سایه‌های تشکیل یافته در زیر برجستگیهای چهره و چانه نفوذ می‌یابد و در آنها روشنیهایی خفیف به وجود می‌آورد. تا سرانجام در سایه‌های افزایش‌پذیر زیر چانه محو شود.»

نکته جالب توجه این که جهش «اندیشه لئوناردو پیشگویی‌ناپذیر است.» لئوناردویی که اظهار نظرش هیچ گاه بر خاطر کسان نمی‌گذرد، زیرا یادداشت‌هایی که به نگارش درآورده چیزی جز ضبط جهش‌های آنی ذهنش نیستند. در واقع آنچه لئوناردو به نقاشان توصیه کرده فاقد خشکی و قاطعیت تعالیم مکتبی است، بلکه بیشتر بیانگر لطف و تازگی مکاشفتی هنرمندانه است که فضای گسترش یابنده در زمینه نقاشیهایش را به یاد می‌آورد. لئوناردو باز در یادداشت‌های خود چنین می‌نویسد: «در باره چهره‌ها می‌خواهم خاطر نشان سازم که باید متوجه باشیم در فاصله‌های فزاینده تا چه اندازه ویژگیهای متفاوت سایه‌ها از میان می‌رود، و چگونه تنها تیرگیهای عمده چون گودیهای چشم و مانند آن برجای می‌مانند؛ و

تبسم فرشته در تابلو «مریم عنرا بر کنار صخره‌ها»

تبسم مونا لیزا

